



منظور از دادخواست چیست؟

۱- سندی است در فرم چاپی ویژه که به وسیله ی آن دعوای اولیه (دعوای بدوی) یا شکایت از رأی دادگاه بدوی در آن طرح می شود.

۲- دادخواست به دو دسته ی اصلی و طاری تقسیم می شود. دادخواست طاری، هر دادخواستی است که در هنگام رسیدگی به دعوای اصلی طی سندی جداگانه به همان دادگاه ارایه شده و مربوط به پرونده ی در حال رسیدگی در آن دادگاه می باشد.

۳- به این هفت گونه دادخواست، دادخواست اصلی می گویند:

الف) دادخواست بدوی؛

ب) دادخواست واخواهی؛

پ) دادخواست تجدیدنظر؛

ت) دادخواست فرجام؛

ث) دادخواست در شعب تشخیص دیوان عالی کشور؛

ج) دادخواست اعتراض ثالث (=شخص دیگری به جز خواهان و خوانده ی اصلی که نفعی در پرونده دارد)؛

چ) دادخواست اعاده ی دادرسی.

۴- به این چهار گونه دادخواست، دادخواست طاری می گویند:

الف) دادخواست اضافی (دعوای اضافی)؛ به وسیله ی این دادخواست، خواهان یک پرونده، دعوای جدیدی در کنار و همراه با دعوای قبلی خود، طرح می کند.

ب) دادخواست متقابل (دعوای متقابل)؛ خواننده یک پرونده، می تواند در مقابل ادعای خواهان همان پرونده، اقامه ی دعوا نماید.

مطابق ماده ی (۱۴۱) قانون آیین دادرسی مدنی، چنین دعوایی در صورتی که با دعوای اصلی ناشی از یک منشأ بوده یا ارتباط کامل با دعوای اصلی داشته باشد، دعوای متقابل نامیده می شود و در یک دادگاه به طور توأم رسیدگی می شود. بین دو دعوا، وقتی ارتباط کامل موجود است که اتخاذ تصمیم در هر یک، مؤثر در دیگری باشد.

پ) دادخواست جلب ثالث: مطابق ماده ی (۱۳۵) قانون آیین دادرسی مدنی، هر یک از اصحاب دعوا (خواهان یا خوانده ی یک پرونده) که جلب شخص ثالثی را لازم بدانند،

می تواند تا پایان جلسه ی اول دادرسی، جهات و دلایل خود را اظهار کرده و ظرف سه روز پس از جلسه با تقدیم دادخواست از دادگاه، در خواست جلب او را بنماید، چه دعوا در مرحله ی نخستین باشد یا تجدیدنظر.

ت) دادخواست ورود ثالث: ماده ی (۱۳۰) قانون آیین دادرسی مدنی، اعلام می کند که هر گاه شخص ثالثی در موضوع دادرسی اصحاب دعوای اصلی، برای خود مستقلاً حقی قایل باشد و یا خود را در محق شدن یکی از طرفین ذی نفع بداند، می تواند تا وقتی که ختم دادرسی اعلام نشده است، وارد دعوا گردد، چه این که رسیدگی در مرحله ی بدوی باشد یا در مرحله ی تجدیدنظر. در این صورت، نامبرده باید دادخواست خود را به دادگاهی که دعوا در آن جا مطرح است، تقدیم و در آن منظور خود را به طور صریح اعلان نماید.

منظور از تصدیق دادخواست چیست و چه مراجعی دادخواست و ضمایم آن را تصدیق می کنند؟

۱- پس از تنظیم متن شکواییه در فرم دادخواست و افزودن مدارک مربوط به موضوع شکایت، دادخواست و ضمایم آن باید به دفتر دادگاه تسلیم شود. دفتر دادگاه پس از بررسی دادخواست از جهت این که تمبر به اندازه‌ی کافی الصاق شده، وظیفه دارد اصل ضمایم دادخواست را رؤیت کرده و گواهی نماید که رونوشت (فتوکپی) مدارک با اصل آن یکسان است.

۲- به علاوه مراجعی دیگر از قبیل اداره‌ی ثبت اسناد محل، دفاتر اسناد رسمی، بخش‌داری محل یا یکی از ادارات دولتی، وکلای اصحاب دعوا و سفارت خانه‌ها یا کنسولگری‌های ایران در خارج از کشور در حدود صلاحیت خود می‌توانند برخی از اسناد را رونوشت برابر اصل کنند.

آیا دادخواست با درخواست تفاوتی دارد؟

۱- درخواست را می‌توان بر روی کاغذهای عادی نوشت ولی دادخواست الزاماً باید بر روی فرم‌های چاپی ویژه نوشته شود.

۲- در متن درخواست الزاماً طرح شکایت و یا احقاق حق وجود ندارد ولی در متن دادخواست باید موارد مذکور طرح شود.

۳- تعداد نسخه‌های دادخواست باید به تعداد خوانندگان دعوا به علاوه‌ی یک نسخه به دادگاه ارایه شود ولی در مورد تعداد نسخه‌های درخواست، چنین الزامی وجود ندارد.

۴- یک نسخه از دادخواست باید برای خواننده‌ی دعوا ارسال و ابلاغ شود ولی در مورد درخواست چنین نیست.

۵- برای بررسی رسمی دادخواست باید زمان رسیدگی معین شود و به هر دو طرف دعوا (خواننده و خواهان) زمان رسیدگی ابلاغ شود. اما در مورد درخواست الزامی برای آگاهی دیگران (= ابلاغ) و هم چنین تعیین زمان رسیدگی نیازی نیست.

در چه اموری می‌توان در دادگاه از درخواست استفاده کرد؟

۱- درخواست تأمین خواسته: خواهان پرونده، می‌تواند پیش از تقدیم دادخواست

به دادگاه یا ضمن دادخواست راجع به اصل دعوا یا در جریان دادرسی تا وقتی که حکم قطعی صادر نشده است در این موارد از دادگاه، درخواست تأمین خواسته نماید و دادگاه مکلف به قبول آن است:

(الف) دعوا مستند به سند رسمی باشد؛
(ب) خواسته در معرض تضییع یا تفریط (=از بین رفتن عمدی یا غیر عمدی) باشد؛

(ج) در مواردی از قبیل اوراق تجاری وخواست شده (=مثل چک برگشتی و غیره) که به موجب قانون، دادگاه مکلف به قبول درخواست تأمین باشد.

(د) خواهان، خسارتی را که ممکن است به طرف مقابل وارد آید، نقداً به صندوق دادگستری بپردازد. (ماده‌ی ۱۰۸ قانون آیین دادرسی مدنی).

۲- درخواست تأمین دلیل: در مواردی که اشخاص ذی نفع، احتمال دهند که در آینده، استفاده از دلایل و مدارک دعوای آنان از قبیل تحقیق محلی و کسب اطلاع از مطلعین و استعلام نظر کارشناسان یا دفاتر تجاری (=منظور دفاتر تجاری مذکور در ماده ۶ قانون تجارت می‌باشد که عبارتند از: دفتر روزنامه، دفتر کل، دفتر دارایی) یا استفاده از قراین و امارات موجود (آماره یعنی هر چیزی که بیان کننده و نشان دهنده‌ی چیز دیگری باشد ولی نمی‌تواند به طور قطعی و یقینی آن را اثبات کند مانند این که شخصی در منزلی ساکن باشد ولی سند مالکیت نداشته باشد). در محل و یا دلایلی که نزد طرف دعوا یا دیگری است، متعذر یا متعسر خواهد شد، می‌توانند از دادگاه درخواست تأمین آن‌ها را بنمایند. مقصود از تأمین در این موارد، فقط ملاحظه و صورت برداری از این گونه دلایل است (ماده‌ی ۱۴۹ قانون آیین دادرسی مدنی). درخواست تأمین دلیل می‌تواند کتبی یا شفاهی باشد (ماده ۱۵۱).

۳- درخواست سازش: هر کس می‌تواند در مورد هر ادعایی از دادگاه نخستین، به طور کتبی درخواست نماید که طرف او را برای

سازش دعوت کند. (ماده‌ی ۱۸۶).

۴- درخواست دستور موقت: مطابق مواد (۳۱۰) تا (۳۲۵) قانون آیین دادرسی مدنی، در اموری که تعیین تکلیف آن فوریت دارد، دادگاه به درخواست ذی نفع در برخی موارد دستور موقت صادر می‌کند. این درخواست می‌تواند کتبی یا شفاهی باشد. دستور موقت ممکن است دایر بر توقیف مال یا انجام عمل یا منع از امری باشد. دستور موقت، پس از ابلاغ قابل اجرا است و نظر به فوریت کار، دادگاه می‌تواند مقرر دارد که قبل از ابلاغ اجرا شود.

۵- درخواست ابلاغ رأی داور. (ماده‌ی ۴۸۵).

۶- درخواست اجرای رأی داور (ماده‌ی ۴۸۸).

۷- درخواست انحصار وراثت: در صورتی که وارث متوفی یا سایر اشخاص ذی نفع بخواهند تصدیق انحصار وراثت تحصیل کنند، درخواست نامه‌ی کتبی مشتمل بر نام و مشخصات درخواست کننده و متوفی و ورثه و اقامتگاه آن‌ها و نسبت بین متوفی و وارث تنظیم نموده، به دادگاه تسلیم می‌نماید. (ماده‌ی ۳۶۰ قانون امور حسبی)

۸- درخواست تحریر ترکه: با توجه به مواد (۲۰۶) تا (۲۲۴) قانون امور حسبی، مقصود از تحریر ترکه، تعیین تعداد ترکه (=دارایی زمان فوت متوفی) و دیون (=بدهی‌ها) متوفی است. درخواست تحریر ترکه از ورثه یا نماینده‌ی قانونی آن‌ها و وصی برای اداره‌ی اموال پذیرفته می‌شود.

۹- درخواست تصفیه‌ی ترکه: مطابق مواد (۲۶۰) تا (۲۶۲) قانون امور حسبی، مقصود از تصفیه‌ی ترکه، تعیین دیون و حقوق برعهده‌ی متوفی و پرداخت آن‌ها و خارج کردن مورد وصیت از ماترک (=مالی که با فوت مالک مال و به حکم قانون به وارثان تعلق می‌گیرد) است. وصی و هر یک از ورثه می‌توانند از دادگاه، کتباً تصفیه‌ی ترکه را بخواهند.

۱۰- درخواست تقسیم ترکه: با توجه به

مواد (۳۰۰) تا (۳۲۶) قانون امور حسبی، در صورت تعدد ورثه، هر یک از ورثه می توانند از دادگاه درخواست تقسیم سهم خود را از سهم سایر ورثه بخواهند. درخواست تقسیم ترکه باید کتبی و مشتمل این امور باشد: نام و مشخصات درخواست کننده و متوفی، ورثه و اشخاص دیگری که ترکه باید بین آن ها تقسیم شود و سهام هر یک.

۱۱- درخواست مهر و موم ترکه: ماده ی (۱۶۷) قانون امور حسبی اعلام می دارد که هر یک از ورثه ی متوفی یا نماینده ی قانونی آن ها، موصی له (= شخصی که وصیتی به نفع او شده باشد)، طلبکار متوفی به مقدار طلب و کسی که از طرف متوفی به عنوان وصایت (= شخص به موجب وصیت یک یا چند نفر را برای انجام امر یا امور یا تصرفاتی نسبت به پس از فوت خود مأمور کند) معین شده باشد.

۱۲- درخواست تعیین امین: ماده ی (۱۰۴) قانون امور حسبی مقرر می کند که کسی که در اثر کبر سن (= کهولت) یا بیماری و امثال آن از اداره ی تمام و یا بعضی اموال خود عاجز شده می تواند از دادگاه بخواهد که برای اداره ی اموال او، امین معین شود.

۱۳- سایر درخواست های مربوط به امور حسبی (از قبیل تعیین قیّم، حکم موت فرضی، حکم حجر).

منظور از پیوست ها و ضمایم دادخواست چیست؟

۱- مطابق ماده ی (۵۷) قانون آیین دادرسی مدنی، خواهان باید رونوشت یا تصویر اسناد خود را پیوست دادخواست نماید، رونوشت یا تصویر باید خوانا و مطابقت آن با اصل گواهی شده باشد.

۲- ماده ی (۵۷) همین قانون مقرر می دارد که: «در صورتی که اسناد به زبان فارسی نباشد، علاوه بر رونوشت یا تصویر مُصدّق (= تاییده شده)، ترجمه ی گواهی شده ی آن نیز باید پیوست دادخواست شود. صحت ترجمه و مطابقت رونوشت با اصل را مترجمان

یا مأموران کنسولی حسب مورد گواهی از خواهند نمود.

۳- اگر دادخواست توسط ولی، قیّم، وکیل یا نماینده ی قانونی خواهان تقدیم شود، رونوشت سندی که مثبت (= اثبات کننده) سمت دادخواست دهنده است، به پیوست تسلیم دادگاه می گردد (ماده ی ۵۹ قانون آیین دادرسی مدنی).

در چه مواردی ممکن است دادخواست رد شود؟

۱- مطابق ماده ی (۵۱) قانون آیین دادرسی مدنی، دادخواست باید به زبان فارسی در روی برگ های چاپی مخصوص نوشته شود و حاوی این نکات باشد، نام، نام خانوادگی، نام پدر، سن، اقامتگاه و حتی الامکان شغل خواهان، در صورتی که دادخواست توسط وکیل تقدیم شود، مشخصات وکیل نیز باید درج گردد؛ نام و نام خانوادگی، اقامتگاه و شغل خواننده؛ تعیین خواسته و بهای آن مگر آن که تعیین بهاء ممکن نبوده و یا خواسته، مالی نباشد. تعهدات و جهاتی که به موجب آن خواهان خود را مستحق مطالبه می داند، به طوری که مقصود واضح و روشن باشد. ذکر دلایل و وسایلی که خواهان برای اثبات ادعای خود دارد از اسناد و نوشتجات و اطلاع مطلعین و غیره. امضای دادخواست دهنده و در صورت عجز از امضا، اثر انگشت او.

۲- در صورتی که به دادخواست و پیوست های آن، برابر قانون، تمبر الصاق نشده یا هزینه ی یاد شده، تأدیه (= پرداخت) باشد؛ دادخواست توسط دفتر دادگاه پذیرفته می شود ولی برای به جریان افتادن آن باید نقایص مذکور رفع شود. (بند ۱ ماده ی ۵۳ قانون آیین دادرسی مدنی).

۳- هم چنین اگر نام و نام خانوادگی، اقامتگاه شغل خواننده و نیز تعیین خواسته و بهای آن، تعهدات و جهاتی که به موجب آن خواهان خود را مستحق مطالبه می داند و ذکر ادله و وسایلی که خواهان برای اثبات

ادعای خود دارد در متن دادخواست قید نشده باشد؛ دادخواست توسط دفتر دادگاه پذیرفته می شود ولی برای به جریان افتادن آن باید این نقایص رفع شود (بند ۲ ماده ی ۵۳ قانون آیین دادرسی مدنی).

۴- مطابق ماده ی (۵۴) قانون آیین دادرسی مدنی، در موارد یاد شده در بالا، مدیر دفتر دادگاه، ظرف دو روز، نقایص دادخواست را به طور کتبی و مفصل به خواهان اطلاع داده و از تاریخ ابلاغ به مدت ده روز به او مهلت می دهد تا نقایص را رفع کند. چنان چه در مهلت مقرر، اقدام به رفع نقص ننماید، دادخواست به موجب قراری که مدیر دفتر صادر می کند، دادخواست رد می گردد. این قرار به خواهان ابلاغ می شود و نامبرده می تواند ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ به همان دادگاه شکایت نماید. رأی دادگاه در این خصوص قطعی است.

۵- هر گاه در دادخواست، خواهان یا محل اقامت او، معلوم نباشد، ظرف دو روز از تاریخ رسید دادخواست به موجب قراری که مدیر دفتر دادگاه صادر می کند، دادخواست رد می شود. (ماده ی ۵۶ قانون آیین دادرسی مدنی).

۶- در صورتی که خواهان نتواند نشانی خواننده را معین نماید یا معلوم شود محلی را که خواهان در دادخواست معین کرده، نشانی خواننده نبوده یا قبل از ابلاغ تغییر کرده باشد و مأمور هم نتواند نشانی او را پیدا کند؛ پس از اخطار رفع نقص از تعیین نشانی، خواهان اعلام ناتوانی از آرایه ی نشانی کند؛ بنا به درخواست خواهان و دستور دادگاه، مفاد دادخواست یک نوبت در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار به هزینه ی خواهان آگهی خواهد شد. در هر مورد که هزینه ی انتشار آگهی، ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ اخطاریه ی دفتر دادگاه پرداخت نشود، دادخواست به وسیله ی دفتر دادگاه رد خواهد شد. این قرار رد دادخواست ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ قابل شکایت در دادگاه می باشد. (مفاد مواد ۷۲ و ۷۳ و ۵۴ قانون آیین دادرسی مدنی).

افقی:

- ۱_ یکی از شاخه های جدیدالتأسیس حقوق در ایران.
- ۲_ خویشاوندی _ خاندان _ کسی که تمکن مالی برای پرداخت بدهی هایش ندارد.
- ۳_ عموها و عمه ها _ فحش و دشنام _ زادگاه فردوسی.
- ۴_ زیر پافتاده _ عقدی که هیچ یک از طرفین حق بهم زدن آن را ندارند _ نهی کننده.
- ۵_ به رژیم اشغال گر قدس می گویند _ مجازات معین شده از جانب شارع.
- ۶_ چیزی که کارفرما از کارگر می خواهد _ طلا _ شدید و سخت.
- ۷_ متضاد ذکور _ قدم _ نشانه و علامت چیزی.
- ۸_ شهری کوچک در خراسان نزدیک قوچان.
- ۹_ دانه ای خوشبو _ مخفیگاه دیگری را آشکار کردن _ فالگیر عسل بی انتها.
- ۱۰_ آنچه از مرحوم برای وراثت باقی می ماند _ خویشاوندی پدری و مادری.
- ۱۱_ از عقود معین _ اتباع یک کشور _ عوضی که در برابر مبیع پرداخت می شود.
- ۱۲_ از خدایان معروف شرق و جنوب شرقی آسیا که پیروان زیادی دارد _ قبل از شروع به بازجویی متهم ابتدا بازپرس باید آن را احراز نماید.
- ۱۳_ بجا آوردن سوگند _ قضات به هم ریخته _ تنفیذ نیست.

عمودی

- ۱_ اجرت وکیل _ از جرایمی که ارتکاب آن علاوه بر قانون در شرع نیز شدیداً نهی شده است.
- ۲_ در حل اختلافات به کار می آید _ لحظه _ خداوند.
- ۳_ قرض _ کسی که شغل او تبدیل پولهای ایرانی به ارز و به عکس می باشد _ زرنگی.
- ۴_ در اصطلاح عرف به سند نکاحیه یا مهریه خانم ها گفته می شود _ به شخصی غیر از طرفین معامله گویند _ دو یار همدم.
- ۵_ چیزی جدا و مشخص از دیگری _ از انواع اختیارات.
- ۶_ انسان مستبد و ظالم _ عقدی است که به موجب آن یک نفر مال خودش را به دیگری تملیک می کند.
- ۷_ گلی خوشبو _ نام دیگر مزد یا حقوق کارگر _ در اصطلاح حقوق مدنی به مالی گویند که در برابر دریافت کالا یا خدمات باید پرداخت.
- ۸_ حقی است مالی بر ذمه دیگری _ روز عرب _ چیستی.
- ۹_ باطل کردن اعتبار قانون و پایان بخشیدن به عمر آن _ پاک و خالص حرف فاصله.
- ۱۰_ دریا _ کسی که برای اداره اموال غایب مفقود الاثر منصوب می شود _ اصطلاحی است در حقوق جزا که در صورت وقوع و تحقق آن باید مراسم قسامه اجرا شود.
- ۱۱_ سند تجاری لازم الاجرا _ نوعی حق ارتفاق _ کشوری عربی.
- ۱۲_ با اشاره و کنایه صحبت کردن _ یکی از بیماری های مردانه که در قانون مدنی از موجبات فسخ نکاح شمرده شده است.
- ۱۳_ چاشنی غذا _ قضاوت _ ولی قهری.

برنده جدول شماره ۱۶: خانم معصومه بلندی آرنی

۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
ح	ق	و	ق	ش	ه	ر	و	ن	د	ی	*	م	
۲	ق	ر	ا	ر	*	ا	ف	ک	ا	*	ا	ت	
۳	ا	ا	*	ض	د	*	ر	ی	*	ک	ف	ل	
۴	ز	ر	ع	*	ا	ح	ا	ل	ه	*	و	ق	ف
۵	ا	د	ا	ی	د	ی	ن	*	ی	ک	ت	ا	*
۶	د	ا	ر	*	س	ا	د	ی	س	م	*	ع	م
۷	ی	د	*	*	ر	ز	م	*	ت	ا	م	*	ز
۸	ب	*	ب	ر	ا	ت	*	د	ر	*	ع	ق	د
۹	ی	ا	ه	و	*	*	ع	ا	ی	د	ا	ت	*
۱۰	ا	ی	ت	*	ع	ا	ق	د	*	ا	ه	ل	ی
۱۱	ن	ج	ا	ب	ت	*	ل	و	ث	*	د	ع	ا
۱۲	*	ا	ن	ک	ا	ر	*	ر	م	ی	*	م	غ
۱۳	ا	ب	*	ر	ب	ا	*	ز	ن	ا	*	د	ی

باسخ جدول شماره ۱۷

تنظیم کننده: حمید صباح مشهدی

۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
*												
			*	*			*					
					*				*			
				*						*		
	*				*							
				*								
			*						*			
					*							
	*			*								
			*						*			
				*								

جدول شماره ۱۸